

حقوق کاتب، علمی - پژوهشی

سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

صص: ۵۶-۳۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

## حقوق دفاعی متهم در اساسنامه محکمه جزایی بین المللی

جمعه علی حقانی

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه کاتب

### چکیده

رعایت حقوق متهم و مخصوصاً حقوق دفاعی وی، یکی از دغدغه های اصلی در دادرسی های بین المللی است، به گونه ای که رعایت نکردن آن، عادلانه بودن دادرسی را کاملاً مخدوش می سازد. رعایت حقوق دفاعی متهم، همانطوری که در سطح داخلی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ اما اهمیت آن در سطح بین المللی مضاعف می شود؛ زیرا از یک طرف آسیب های جرایم بین المللی، منحصر به یک جغرافیای خاصی نمی شود؛ بلکه قلمرو وسیعی را در سطح جهانی در بر می گیرد و از طرف دیگر، بینندگان و قضاوت کنندگان افکار عمومی نیز، بسیار گسترده و وسیع است که کوچکترین خطایی را از سوی محکمه جزایی بین المللی بر نمی تابد. بدون شک یکی از موضوعاتی که نقش مهمی در اجرای عدالت و محاکمه منصفانه دارد، رعایت حقوق متهم است و رعایت این حقوق می تواند، به عنوان یکی از معیارهای محاکمه عادلانه در افکار عمومی محسوب شود.

تحقیق حاضر که در صدد بررسی حقوق دفاعی متهم در محکمه جزایی بین المللی صورت گرفته است، تلاش نموده است که با استفاده از روش توصیفی — تحلیلی و منابع کتابخانه ای به بررسی این حقوق بپردازد. حق آگاهی از جرم انتسابی، حق آگاهی از داشتن حق سکوت و حق آگاهی از داشتن حق مساعدت های حقوقی، از جمله حقوق دفاعی متهم، قبل از بازجویی محسوب می شود. حق داشتن اعتراض نسبت به اتهامات وارده از سوی سارنوال، حق وارد کردن خدشه نسبت به ادله وی و حق ارائه ادله از جمله حقوق دفاعی متهم است که در جلسه تایید اتهام از سوی شعبه مقدماتی، متهم از آن ها برخوردار است. حق علنی بودن محاکمه، داشتن وقت کافی برای تهیه دفاعیه، حق احضار شهود و حق دو مرحله ای بودن محاکمه، مربوط به زمان محاکمه متهم است که باید مورد توجه دادگاه قرار بگیرد. حق سکوت، حق داشتن وکیل و حق برخورداری از مساعدت های حقوقی از جمله حقوق مشترک دفاعی متهم، در حین بازجویی و حین محاکمه محسوب می گردد.

**واژگان کلیدی:** متهم، سارنوال، محاکمه، حق سکوت، مساعدت حقوقی

## مقدمه

جرم، یکی از پدیده‌های آشنا و سابقه دار در جوامع انسانی محسوب می‌شود، پدیده‌ای که همواره آرامش و آسایش انسان را به مخاطره انداخته است. همین نگاه منفی و ضد اجتماعی‌ی انسان به این پدیده، هنگام مواجهه با آن، واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است که این واکنش، در طول تاریخ، مسیر یکسانی را نپیموده است و نوع نگاه انسان به مجرم، تعیین کننده نوع واکنش انسان‌ها نیز، بوده است.

زمانی که جوامع، هیچ توجهی به مجرم نمی‌کرد و صرفاً به نوع جرم و آثار اجتماعی آن در جامعه توجه می‌شد، واکنش‌ها نیز، شدید و غیر انسانی بود؛ اما زمانی که نگاه‌ها به جرم و مجرم متفاوت شد، نوع مجازات‌ها نیز، متعادل‌تر و متناسب‌تر با جرایم ارتكابی گردید. با ظهور مکتب دفاع اجتماعی نوین، در اواخر نیمه اول قرن بیستم، دادرسی‌های ملی کشورها، دچار یک دگرگونی چشم‌گیری گردید که دیگر، در صدد حذف مجرم از جامعه به عنوان یک موجود مضر، نبود؛ بلکه مجرم به عنوان یک انسانی مورد توجه قرار می‌گرفت که باید شخصیت وی مورد تکریم قرار بگیرد و هرچه زودتر زمینه بازگشت وی به جامعه فراهم گردد.

دیوان کیفری بین‌المللی که با توجه به دادرسی‌های ملی، پا به عرصه وجود نهاد، شخصیت مجرم، تا حد زیادی در کانون توجه این دیوان قرار گرفت. حساسیت کشورها نسبت به صلاحیت دیوان از یک سو و پیچیدگی جرایم بین‌المللی از سوی دیگر، موجب شد که تدوین کنندگان اساسنامه دیوان، توجه جدی‌ی را نسبت به حقوق متهم، داشته باشد.

حقوق جمع حق است و حق (right) در لغت عبارت است از قدرت برخورداری از امتیازات یا مصونیت‌ها (Simpson, 1991, 993) اما در اصطلاح حقوقی عبارت است از توانایی و اختیارات قانونی افراد جامعه نسبت به شخص یا شی معین یا به طور کلی نسبت به انجام امری در جامعه (واحدی، ۱۳۸۴، ۱۴)؛ بنا بر این، منظور از حقوق دفاعی متهم در اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی (ICC) «آن بهره و امتیازی است که متهم در چارچوب آن، می‌تواند از خودش، دفاع نماید که حق سکوت، حق اعتراض به اتهامات و ... از جمله آن‌هاست» با توجه به تبیین مسئله، تحقیق حاضر در صدد این است که به این سوال پاسخ دهد که «محکمه جزایی بین‌المللی، چه تدابیری را به عنوان حقوق دفاعی متهم، به منظور پیش‌گیری از تضییع حقوق وی، پیش‌بینی کرده است؟».

حقوق دفاعی متهم را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به حقوق دفاعی قبل از محاکمه، حقوق دفاعی در حین محاکمه و حقوق دفاعی مشترک میان قبل از محاکمه و در حین محاکمه تقسیم نمود که در زیر هر کدام به صورت جداگانه مورد بحث می‌گیرد.

### حقوق دفاعی متهم قبل از محاکمه

حقوق دفاعی متهم قبل از محاکمه به دو گروه تقسیم می‌شود: یکی حقوق دفاعی متهم، قبل از بازجویی و دیگری حقوق دفاعی متهم در حین بازجویی.

## الف) حقوق دفاعی متهم قبل از بازجویی

گرچه حقوقی که اساسنامه محکمه جزایی بین المللی در این مرحله برای متهم در نظر گرفته است، به صورت مستقیم به عنوان حقوق دفاعی متهم مورد استفاده قرار نمی گیرد؛ ولی از آن جا که زمینه ساز یک سلسله حقوقی است که در حین بازجویی به صورت مستقیم مورد استفاده متهم قرار می گیرد، این حقوق را نیز، می توان در زمره حقوق دفاعی متهم قرار داد؛ حقوقی که از لحاظ اهمیت، تاثیر قابل توجهی می تواند در سرنوشت پرونده متهم داشته باشد که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ — حق آگاهی از جرم انتسابی: بر اساس جزء الف بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه محکمه جزایی بین المللی، متهم «قبل از بازجویی باید مطلع شود که قرائینی مبنی بر ارتکاب یکی از جرایم در محدوده صلاحیت دیوان توسط وی وجود دارد» فلسفه این حق این است که شخص متهم، با آمادگی کامل وارد جلسه بازجویی گردد و دلایلی را که ممکن است موجب تبرئه وی گردد، فراهم نماید؛ زیرا اگر متهم، بدون آگاهی از جرم انتسابی و ادله آن، وارد جلسه بازجویی گردد، بدیهی است که توان دفاع لازم و مناسب را نیز، نخواهد داشت و همین عدم توانایی می تواند، زمینه انتساب جرم را نسبت به او فراهم نماید.

۲ — حق آگاهی از داشتن حق سکوت: دومین حقی که بر اساس اساس نامه دیوان، شخص متهم لازم است، قبل از بازجویی از آن آگاهی پیدا نماید، آگاهی از داشتن حق سکوت است، سکوتی که بر اساس جزء «ب» بند ۲ ماده ۵۵، هیچ دلالت بر مجرمیت و یا بی گناهی وی نمی کند. فلسفه وجودی این حق این است که همه انسان ها از نظر روحی و روانی یکسان نمی باشد و برخی افراد، ممکن است از لحاظ روحی و روانی به گونه ای باشد که اگر در چنین جلساتی قرار بگیرد، ناخواسته سخنانی را بگوید که در آینده علیه وی مورد استفاده قرار بگیرد؛ لذا حقوقدانان، این حق را در همه محاکم از جمله در محکمه کیفری بین المللی در نظر گرفته اند، تا احتمال اشتباه در زمان تحقیقات را به حداقل برسانند؛

۳ — حق آگاهی از داشتن حق مساعدت های حقوقی: یکی از حقوق دیگر متهم در این مرحله این است که متهم باید از داشتن حق مساعدت های حقوقی از قبیل مترجم و ...، قبل از بازجویی مطلع شود که در جزء «ج» بند ۲ همان ماده، به این حق اشاره شده است، حقی که نقش بسیار اساسی در اجرای عدالت در جامعه دارد؛ زیرا کسی که زبان مستنطق را نداند، احتمال تضییع شدن حقوق وی زیاد است و به همین خاطر، حقوقدانان، حق داشتن مساعدت های حقوقی را که داشتن مترجم یکی از آن هاست، در همه مراحل دعوی جزایی در نظر گرفته اند.

## ب) حقوق دفاعی متهم در حین تحقیق

در حقوق داخلی، مقام تعقیب از مقام تحقیق کاملاً جدا شده است که سازنوال (دادستان) یک مقام تعقیب است، نه مقام تحقیق؛ زیرا «دادستان طرف دعواست و نمی تواند یک قاضی تحقیق بی طرف هم باشد؛ یعنی، تحقیقات نمی تواند در این صورت بی طرفانه انجام شود؛ بنا براین ضرورت دارد تحقیقات مقدماتی مطلقاً در اختیار قاضی ای مستقل، غیر از دادستان و آن نیز، در همه امور کیفری قرار گیرد» (آشوری، ۱۳۹۲، ۱۱۲).

اما محکمه جزایی بین المللی از این لحاظ تا حدودی با حقوق داخلی متفاوت است. سارنوال (دادستان) در محکمه بین المللی، تنها به کار تعقیب نمی پردازد؛ بلکه بر اساس جزء «ب» بند ۱ ماده ۵۴، علاوه بر کار تعقیب، کار تحقیق را نیز، انجام می دهد؛ تحقیقاتی را که سارنوال (دادستان) انجام می دهد، به دو نوع تقسیم می شود: «نوع اول تحقیق زمانی است که وی قصد دارد به صورت ابتکاری و بر مبنای اختیار خود و یا پس از ارجاع یکی از کشور های عضو، تعقیب یک وضعیت را در دستور کار قرار می دهد، در چنین فرو ضی، مستندا به [بند ۱] ماده ۱۵ و بند ۱ ماده ۵۳ اسانامه، دادستان باید ابتدا به این نتیجه برسد که مبنای معقولی برای شروع به تعقیب وجود دارد» (صابر، ۱۳۸۸، ۱۲۹).

بر اساس بند ۳ ماده ۱۵ اسانامه دیوان «اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدلی برای پرداختن به تحقیق وجود دارد، باید درخواستی را به ضمیمه کلیه اسناد و مدارک تایید کننده ای که جمع آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم نماید». با گرفتن مجوز از سوی شعبه مقدماتی، نوع دوم تحقیقات دادستان، آغاز می شود، «نوع دیگر از تحقیق، تحقیقاتی است که دادستان، به عنوان مقام تحقیق باید انجام دهد. در این مقام، دادستان باید همه ادله به نفع متهم و هم ادله ای که علیه وی وجود دارد جمع آوری نماید» (صابر، ۱۳۸۸، ۱۳۰). دادستان علاوه بر جمع آوری اسناد و مدارک، بر اساس بند ۲ ماده ۵۵ اسانامه، حق بازجویی از متهم را نیز، دارد که پس از تکمیل پرونده، آن را به شعبه مقدماتی، برای تایید اتهامات، می فرستد؛ البته با این تفاوت که کار تحقیق از نوع دوم را به صورت مستقل نمی تواند انجام دهد، محکمه جزایی بین المللی «شعبه ای را تحت عنوان «شعبه مقدماتی» در نظر گرفته است که وظیفه کنترل و نظارت بر کیفرخواست { صورت دعوا} را در کنار سایر وظایف نظارتی خود بر عهده دارد تا در این دیوان نیز، همانند محاکم داخلی، دادستان بین المللی به نمایندگی از جامعه جهانی اتهاماتی را وارد کند که مستند به ادله ای باشد که دادگاه بتواند در چارچوب آن، رسیدگی خود را شروع نماید» (صابر، همان، ۱۶۱).

محکمه جزایی بین المللی حقوقی را در هر دو مرحله (مرحله بازجویی توسط سارنوال و جلسه شعبه مقدماتی)، برای متهم در نظر گرفته است که برخی از آن ها به مثابه حقوق دفاعی متهم مورد استفاده قرار می گیرد. از آن جا که حقوق دفاعی متهم در حین بازجویی توسط سارنوال، با حقوق دفاعی متهم در حین محاکمه مشترک است، از ذکر آن ها در این جا صرف نظر می شود و در گفتار سوم، به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت و حقوق دفاعی متهم در جلسه شعبه مقدماتی در گفتار دوم مورد بحث قرار می گیرد.

### حقوق دفاعی متهم در حین محاکمه

چنانکه اشاره شد، سارنوال، کار تحقیق از نوع دوم و مخصوصا کار بازجویی از متهم را با اجازه شعبه مقدماتی آغاز می کند و بعد از آنکه کار تحقیقات به پایان رسید، اگر سارنوال به این نتیجه برسد که ادله کافی برای انتساب جرم به شخص متهم وجود دارد، پرونده را برای تایید اتهامات، به شعبه مقدماتی

محکمه می فرستد و قبل از محاکمه اصلی، جلسه ای توسط شعبه مقدماتی دیوان، با حضور سارنوال و متهم برگزار می شود که محکمه جزایی بین المللی از این جهت با دادرسی های داخلی کاملاً متفاوت است؛ زیرا محاکمات داخلی یک مرحله ای است؛ ولی در محکمه جزایی بین المللی، به خاطر اهمیت جرایم و حفظ حقوق متهم، محاکمات، دو مرحله ای است که در هر دو مرحله، حقوقی برای متهم در نظر گرفته شده است که برخی از آن ها، به عنوان حقوق دفاعی متهم، محسوب می شود.

نا گفته نماند که بر اساس بند ۲ ماده ۶۱ اساسنامه محکمه جزایی بین المللی، متهم در مدت زمان متعارفی قبل از جلسه باید «یک نسخه از مدرکی را که شامل اتهاماتی است که دادستان { سارنوال } رسیدگی به آن ها و محاکمه شخص را تقاضا کرده دریافت دارد و از ادله ای که مورد استناد دادستان در جلسه قرار خواهد گرفت، مطلع شود»

### الف) حقوق دفاعی متهم در جلسه شعبه مقدماتی

۱ — حق داشتن اعتراض نسبت به اتهامات: قبل از تشکیل جلسه از سوی شعبه مقدماتی، متهم، تمامی اتهاماتی را که سارنوال به وی نسبت داده است، با دقت مورد مطالعه قرار می دهد، اگر چنانچه اتهامات مذکور مورد تایید وی نباشد، برای دفاع از خودش، در جلسه شعبه مقدماتی، می تواند آن ها را مورد اعتراض قرار دهد جزء الف بند ۶ ماده ۶۱ اساسنامه به این مسئله پرداخته است؛

۲ — حق داشتن ایراد خدشه به ادله سارنوال: چنانکه متهم می تواند، اتهامات وارده از سوی سارنوال را مورد اعتراض قرار دهد، ادله وی را نیز، می تواند، مورد خدشه قرار دهد. در جزء «ب» بند ۶ ماده ۶۱ اساسنامه آمده است: متهم می تواند «در مقام ایراد خدشه به ادله ابرازی سارنوال بر آید»؛

۳ — حق اقامه کردن ادله: متهم نه تنها حق دارد که به اتهامات و ادله آن از سوی سارنوال، اعتراض نماید؛ بلکه حق دارد که بر اساس جزء «ج» بند ۶ ماده ۶۱ ادله ای را برای بیگناهی خویش اقامه نماید. دفاعیات متهم در این مرحله، در جریان رسیدگی کیفری، نقش چشم گیری ایفا می کند که حتی ممکن است منجر به ترک تعقیب متهم گردد. با توجه به ماده ۶۱ اساسنامه محکمه جزایی بین المللی، شعبه مقدماتی پس از استماع دفاعیات متهم، تصمیمات ذیل را اتخاذ می نماید. اگر چنانچه شعبه مقدماتی به این نتیجه برسد که دفاعیات متهم، چندان منطقی و قوی نمی باشد، بر اساس جزء «الف» بند ۷ ماده ۶۱ اساسنامه محکمه، «اتهاماتی را که ادله کافی در مورد آن یافته است، تایید کند و شخص را به منظور محاکمه در خصوص اتهامات تایید شده به شعبه بدوی محکمه اعزام نماید»؛ ولی اگر محکمه دفاعیات متهم را قوی و مستدل تشخیص دهد، از دو حالت خارج نمی باشد: یا محکمه با توجه به ادله سارنوال و دفاعیات متهم، هیچ اتهامی را وارد نمی داند و یا برخی اتهامات را وارد و برخی را ناوارد تشخیص دهد که در هر دو صورت، بر اساس اجزاء «ب» و «ج» بند ۷ ماده ۶۱ اساسنامه، «از تایید اتهاماتی که آن ها را فاقد ادله کافی اثباتی تشخیص داده خود داری ورزد و تشکیل جلسه را به تعویق انداخته و از سارنوال بخواهد که ادله بیشتری اقامه و یا تحقیقات مفصل تری راجع به اتهامات خاصی را انجام دهد» که در

این صورت مهمترین اثر عملی آن، بر اساس بند ۱۰ ماده ۶۱ اساسنامه، این است که هر دستور بازداشتی نسبت به متهم، بلا اثر می گردد.

نکته ای که در این جا باید مورد توجه قرار بگیرد این است که در صورت تایید نشدن اتهامات از سوی شعبه مقدماتی، فوراً پرونده در همین جا مختومه نمی شود؛ بلکه بر اساس بند ۸ ماده ۶۱ اساسنامه، سارنوال می تواند تایید مجدد اتهامات مذکور را از شعبه مقدماتی در خواست نماید، به شرط اینکه ادله جدیدی را فراهم کرده باشد؛ ولی اگر سارنوال ادله قابل قبولی را فراهم نتواند و «چنانچه شعبه ی مقدماتی موضوع را قابل طرح در دادگاه نداند؛ یعنی، اتهامات را تایید نکند موضوع اتهام اصولاً منتفی بوده و موجبی برای طرح در دادگاه نخواهد بود» (واحدی، ۱۳۸۹، ۲۷۱).

### ب) حقوق دفاعی متهم در شعبه بدوی

گرچه حقوقی که در این مرحله برای متهم در محکمه جزایی بین المللی در نظر گرفته شده است، مستقیماً به عنوان حقوق دفاعی محسوب نمی شود؛ ولی به صورت غیر مستقیم می توان آن ها را نیز، از جمله حقوق دفاعی متهم به حساب آورد و به همین جهت به عنوان حقوق دفاعی متهم مورد بحث قرار می گیرد:

۱ — علنی بودن محاکمه: بر اساس بند ۷ ماده ۶۴ اساسنامه دیوان، محاکمه باید به صورت علنی انجام شود، منظور از علنی بودن محاکمه این است که محاکمه به گونه انجام شود که هر کسی بخواهد بتواند در آن مشارکت نماید و مخصوصاً اصحاب رسانه های عمومی که از طریق تاثیر گذاری بر افکار عامه می توانند نقش موثری در عادلانه بودن محاکمه داشته باشند؛ مگر در موارد استثنایی. «علنی بودن جلسات آشکارا اسباب تضمین بهتری است برای اینکه محاکم با مذاقه عموم، عادلانه بر گزار شود، علی الخصوص برای اینکه حقوق متهم نقض نشود و دادگاه، محاکمه را بیطرفانه هدایت کند» (کسسه، ۱۳۸۷، ۴۹۲). علنی بودن محاکمه، ضمن اینکه از خودکامگی قضات پیش گیری می کند، ممکن است نهاد های حقوق بشری و مدنی و هم چنین رسانه های گروهی و عمومی با مشاهده چنین محاکمه ای، مطالبی را ارائه نماید که متهم، از آن ها برای بیگناهی ی خویش به عنوان حق دفاعی، استفاده نماید؛ زیرا جرایم بین المللی به حدی پیچیده و دارای ابعاد وسیعی است که ممکن است برخی از زوایای آن، از دید متهم و یا وکیل وی پنهان بماند؛ ولی نهاد های مدنی و حقوق بشری و همین طور روز نامه ها، شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای، به آن ها بپردازد و آن، راهی شود برای دفاع متهم از خودش نسبت به اتهامات وارده از سوی سارنوال.

۲ — وقت کافی برای تهیه دفاعیه: این حق، مثل علنی بودن محاکمه، به صورت مستقیم، از جمله حقوق دفاعی متهم محسوب نمی شود؛ ولی از آن جا که می تواند زمینه دفاع متهم را فراهم نماید، به عنوان حقوق دفاعی متهم، مورد بحث قرار گرفته است؛ زیرا اگر متهم فرصت کافی برای تهیه دفاعیه نداشته باشد، ممکن است، در مقام دفاع، به خوبی از خودش دفاع نتواند؛ ولی وقتی که زمان کافی و امکانات

لازم برای تهیه دفاعیه داشته باشد، با تامل و دقت بیشتر و با مشورت و کیلش، دفاعیه بهتری را تهیه می کند که ممکن است، تاثیر قابل توجهی در سرنوشت پرونده داشته باشد و چه بسا منجر به برائت وی گردد چنانکه در جزء «ب» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه آمده است: «وقتی کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می کند، ارتباط داشته باشد»؛

۳ - حق احضار شهود، در جلسه محاکمه: سومین حقی دفاعی متهم در حین محاکمه این است که شعبه بدوی دیوان باید برای متهم اجازه دهد، شهود خود را در جلسه محاکمه حاضر کند، شهودی که به نفع وی شهادت می دهند. جزء «ه» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان، نه تنها این حق را به عنوان یک حق دفاعی برای متهم به رسمیت شناخته است؛ بلکه برای وی اجازه داده است که می تواند سوالاتی را از شهود دادستان نیز، بنماید مگر اینکه «سوال از شهود ممکن است به دلیل تکراری بودن یا تهمت بودن اجازه داده نشود، آنچه که حائز اهمیت است برابر بودن طرفین؛ یعنی، متهم و دادستان در محضر دیوان و انجام محاکمه ای واقعا منصفانه می باشد» (شبت، ۱۹۵۰، ۱۶۶) که همه این تدابیر، برای پیشگیری از تضییع حقوق متهم است.

۴ - حق دو مرحله ای بودن محاکمه: گرچه این حق، اختصاص به هیچ یک از مراحل محاکمه ندارد و به نوعی می توان گفت: مربوط به هر دو مرحله محاکمه می شود. دو مرحله ای بودن محاکمه مثل بسیاری از حقوق دفاعی متهم، به صورت مستقیم، از حقوق دفاعی محسوب نمی شود؛ ولی از آنجا که این حق، ضمن اینکه بر دقت و عادلانه بودن محاکمه تاثیر قابل توجهی دارد، زمان و زمینه بیشتری را در اختیار متهم قرار می دهد و متهم، با داشتن فرصت کافی، ادله و مدارک لازم برای بی گناهی خویش فراهم می کند، این حق را نیز، می توان در زمره حقوق دفاعی متهم قرار داد.

### حقوق دفاعی مشترک متهم، در حین بازجویی و محاکمه

۱ - حق سکوت: یکی از مهمترین و بنیادی ترین حقوق متهم در همه دادرسی ها و مخصوصا دادرسی بین المللی، حق سکوت است، حقی که اگر از سوی مقامات قضایی مورد توجه قرار نگیرد، بدون تردید، عادلانه بودن محاکمه را مخدوش می سازد؛ لذا در بند ۷ ماده ۶۹ اساسنامه آمده است: «ادله ای با نقض این اساسنامه و یا حقوق بشر شناخته شده بین المللی تحصیل شده باشد، پذیرفته نیست؛ البته به شرط آنکه:

الف) نقض مذکور اعتبار آن ادله را اساسا متزلزل سازد؛

ب) پذیرش آن ادله معارض با سلامت دادرسی بوده یا صحت آن را جدا به مخاطره بیفکند». بدون شک، حق سکوت از جمله حقوقی است که نقض آن، سلامت دادرسی را جدا مورد تردید قرار می دهد.

« منظور از سکوت متهم، موضع گیری خاص متهم مبنی بر عدم پاسخگویی به سوال ها، مسائل و موضوع هایی است که در مراحل مختلف دادرسی، اعم از بازجویی، مواجهه حضوری، معاینه محل و غیره

مطرح می شود» (منصور آبادی، ۱۳۸۷، ۲۲۷). بنا بر این «متهم هیچ وظیفه ای در همکاری با مقامات قضایی و اعلام حقایق به آن ها ندارد؛ بلکه این مقام تعقیب دعوای عمومی است که در صورت ایراد اتهام به افراد، مکلف است که ادله کافی نیز، علیه آن شخص جمع آوری نماید و نمی تواند از طرف دعوی (خود متهم) انتظار همکاری داشته باشد و او را موظف به بیان حقایق نماید» (صابر، ۱۳۸۸، ۲۳۸)؛ زیرا یکی از آثار مهم اصل برائت، این است که «بار اثبات جرم» به عهده مدعی است که در این جا سارنوال است و کسی که در سایه اصل برائت است، نیازی به اثبات بیگناهی خود ندارد و سارنوال موظف است که در ابتدا جرم بودن رفتار ارتكابی را اثبات نماید و بعد ادله کافی برای انتساب رفتار مجرمانه را به متهم، ارائه نماید.

نظام حقوقی انگلستان که پایه گذار اصلی این حق برای متهم محسوب می شود، ادله مختلفی را برای آن بیان کرده است که ترس و سردرگمی متهم در حین بازجویی و محاکمه از جمله آن هاست (Slapper, 2006, 498).

چنانکه قبلا اشاره شد، انسان ها از لحاظ روحی و صفات نفسانی به صورت یکسان خلق نشده است؛ بنا بر این، هنگام مواجهه با مقامات قضایی، واکنش یکسانی از آن ها انتظار نمی رود و برخی ممکن است در حین بازجویی و محاکمه به شدت دچار ترس و واهمه شود و سخنانی را بگوید که خلاف واقع است و بعدا به عنوان دلیل علیه وی مورد استناد قرار گیرد و یا برخی ممکن است کاملا گیج و سردرگم شود به گونه ای که نفهمد چه چیزی را بر زبان جاری می کند و مقام قضایی با توجه به همان سخنان، مجرمیت وی را احراز نماید؛ به همین جهت، سکوت کردن بهترین راه برای تحقق یک دادرسی عادلانه است؛ بنا این، در نظام حقوقی انگلستان، حق سکوت، برای متهم در نظر گرفته شد و دادگاه ها به هیئت منصفه تاکید می کرد که نباید از سکوت متهم نتیجه سوء بگیرد (Signorelli, 2011, 57).

نظام حقوقی انگلستان، تنها به تاکید دادگاه ها به هیئت منصفه بسنده نکرد؛ بلکه اخیرا حقوقی را وضع کرد که جلو هیئت منصفه را از استنباط سوء، از سکوت متهم می گیرد (Laudan, 2006, 170). در عصر حاضر، اکثر کشور های جهان، حق سکوت را به عنوان یکی از مهمترین حقوق متهم پذیرفته است. محکمه جزایی بین المللی نیز، این حق را به رسمیت شناخته است به دلیل اهمیت و تاثیر گذاری این حق، در محکمه جزایی بین المللی، در دو مرحله به رعایت این حق تاکید شده است: یکی مرحله بازجویی توسط سارنوال و دیگری مرحله محاکمه. در بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه آمده است: «در موردی نیز، که قرار است شخص مجرم که مشمول صلاحیت این دیوان است مطابق ترتیبات مقرر در فصل نهم این اساسنامه توسط سارنوال و یا مراجع مسئول داخلی مورد بازجویی قرار گیرد، آن شخص دارای حقوق ذیل است که باید قبل از بازجویی از آن مطلع شود» و در جزء «ب» بند همین ماده آمده است: «می تواند سکوت اختیار کند بدون این که آن سکوت دلالت بر مجرمیت یا بیگناهی وی داشته باشد».



در مرحله محاکمه نیز، این حق مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه آمده است: «برای هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات اساسنامه به صورت علنی و منصفانه و بی طرفانه و با رعایت حد اقل تضمینات زیر در مساوات محاکمه شود». بعد در جزء «ز» بند ۱ همین ماده حق سکوت را مطرح می کند: «متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می تواند سکوت اختیار کند بدون این که سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود».

تدوین کنندگان اساسنامه، تنها به ذکر این جزء بسنده نکرده است و جزء دیگری را نیز، در راستای همین حق، بیان کرده است و آن عدم تکلیف متهم به اثبات و یا رد ادله سارنوال است در جزء «ط» بند ۱ ماده ۶۷ این طور مقرر شده است: «هیچ گونه تکلیف متقابلی در جهت اثبات ادله و یا تکلیف در رد آن ها بر متهم تحمیل نمی شود».

از لازمه این حق این است که شخص متهم، نباید برای اعتراف کردن تحت اجبار، تهدید و شکنجه قرار بگیرد؛ چنانکه در جزء «ب» بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه آمده است: «و نباید تحت اجبار، اکراه، تهدید و یا شکنجه و یا هر نحو دیگری از رفتارهای ظالمانه غیر انسانی و یا تحقیر آمیز یا مجازات تادیبی قرار گیرند». اگر متهم، اقرار هم کند، شعبه بدوی باید قانع شود که اقرار وی کاملاً اختیاری بوده و بر اساس اجزای «الف» و «ب» بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه، «متهم ماهیت و نتایج ناشی از اعتراف به مجرمیت خود را درک کرده است و اعتراف به مجرمیت از سوی متهم پس از مشورت با وکیلش و به صورت داوطلبانه بوده» است.

اختیاری بودن اعتراف، تنها به عوامل خارجی اشاره ندارد؛ بلکه عوامل درونی را نیز، در برمی گیرد؛ لذا برخی اختیاری بودن را این گونه تفسیر کرده است که «متهم هنگام اقرار باید در وضعیت تعادل روانی باشد تا نتایج اقرار به جرم را به خوبی دریابد، بدون آنکه تهدید، اعمال حیل یا فشار روانی یا وعده ای در کار باشد» (کریانگساک، ۱۹۵۸، ۵۴۷). حق سکوت، از این جهت از حقوق دفاعی متهم محسوب می شود که تا حد زیادی راه اعتراف را سد می کند، اعترافی که با وجود شرائطش می تواند، یکی از ادله اثبات اتهام باشد.

گرچه محکمه جزایی بین المللی، حق سکوت را به صورت مطلق بیان کرده است و هیچ استثنایی را برای آن قایل نشده است که بر اساس اساسنامه، متهم حق دارد در همه مراحل دادرسی از حق سکوت استفاده نماید؛ اما نظام حقوقی انگلستان که پایه گذار این حق برای متهم محسوب می شود، حق سکوت را به صورت مطلق نپذیرفته است و در برخی موارد، سکوت متهم را جایز نمی داند؛ برای مثال، متهم ملزم است که نام و آدرس محل زندگی اش را برای پولیس بدهد و در این زمینه حق سکوت ندارد (<http://affordingjustice.com.au>).

۲ — حق داشتن وکیل: از آن جا که جرایم بین المللی، دارای ابعاد و پیچیدگی های وسیعی است که هر فردی توان تجزیه و تحلیل آن و هم چنین کشف زوایای مختلف و پنهان آن را ندارد، محکمه جزایی بین

المللی، حق داشتن وکیل را برای متهم، پیش بینی کرده است. به خاطر همین اهمیت موضوع است، به رغم این که «متهم حق انتخاب وکیل را دارد؛ ولی این حق نا محدود نیست. دادگاه ویژه، قاعده ای را پذیرفته اند که به موجب آن، وکیل یا باید از اساتید مطرح جهانی در علم حقوق و یا فردی باشد که در نظام حقوقی یک کشور کار حقوقی کرده باشد» (سبث، همان، ۱۶۲).

محکمه جزایی بین المللی، هم در مرحله بازجویی و هم در مرحله محاکمه، حق داشتن وکیل را برای متهم، به رسمیت شناخته است. در مرحله بازجویی جزء «د» بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه مقرر می دارد: «بازجویی از وی در حضور وکیل صورت می گیرد؛ مگر آن که خود وی از این حق صرف نظر نماید». نکته ای که در این جا باید مورد توجه قرار بگیرد این است که در مرحله بازجویی، نقش وکیل متهم، تنها نقش نظارتی است و حق هیچ گونه اظهار نظری در این مرحله ندارد و عدم دخالت مستقیم وکیل در این مرحله بدین معنی نیست که نقش وکیل یک نقش کاملاً تشریفاتی است. همین حضور وکیل، ضمن اینکه بازجویی را در مسیر درست و عادلانه هدایت می کند، مشاوره های لازم را برای متهم، در مقام پاسخگویی به سارنوال نیز، می دهد و متهم از طریق راهنمایی های وکیل، پاسخ های درخوری را به سارنوال خواهد داد.

در مرحله محاکمه نیز، حق داشتن وکیل برای متهم پیش بینی شده است، با این تفاوت که در این مرحله، وکیل تنها به نقش نظارتی بسنده نمی کند؛ بلکه با موافقت متهم می تواند از وی دفاع نماید، چنانکه در جزء «د» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان آمده است: «با رعایت بند ۲ ماده ۶۳ و به منظور انجام امر دفاع شخصاً و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاورت حقوقی بهره مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که محکمه در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می کند، بهره مند شود؛ حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه های مربوط را نداشته باشد».

۳ — حق برخورداری از مساعدت های حقوقی: سومین حقی که متهم، هم در مرحله بازجویی و هم در مرحله محاکمه از آن برخوردار است، حق استفاده از مساعدت های حقوقی است. استفاده از مساعدت های حقوقی که یکی از آن ها استفاده از مترجم است، زمانی مطرح می شود که بازجویی و محاکمه به زبان غیر از زبان متهم باشد. اهمیت استفاده از این حق به حدی است که اساسنامه محکمه، مساعدت مترجم را به صورت رایگان پیش بینی کرده است، چنانکه در جزء «ج» بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه مقرر می دارد: متهم «باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا که (امر ترجمه را آن چنانکه شایسته یک ترجمه مناسب است انجام می دهد) بهره ببرند. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی ها از اشخاص به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می کند، صورت گیرد».

نکته ای قابل توجه این است که اگر مساعدت حقوقی متهم، نیاز به مترجم باشد، محکمه بدون توجه به وضعیت مالی متهم، یک مترجم مناسب و توانا را به صورت رایگان در اختیار وی قرار می دهد؛ ولی اگر مساعدت های حقوقی غیر از مترجم باشد و متهم وضعیت مالی مناسبی داشته باشد، دیوان، ملزم به

فراهم کردن آن مساعدت‌ها به صورت رایگان نمی‌باشد؛ البته اگر متهم، توان فراهم کردن آن مساعدت‌های حقوقی را نداشته باشد و وجود آن مساعدت‌ها در اجرای عدالت موثر باشد، محکمه به صورت رایگان آن‌ها را فراهم خواهد کرد؛ برای مثال اگر متهم با وجود داشتن وکیل باز هم نیاز به مشاوره‌های حقوقی داشته باشد و این مشاوره‌ها در اجرای عدالت لازم باشد، و خود متهم قادر به تامین هزینه‌های آن نباشد، محکمه هزینه‌های آن را فراهم خواهد کرد، چنانکه در جزء «ج» بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه آمده است: متهم «می‌تواند از مساعدت‌های حقوقی که به او اختصاص می‌یابد استفاده نماید. بدیهی است در صورتی که اجرای عدالت ایجاب نماید که مساعدت‌های حقوقی به وی داده شود؛ اما او قادر به تامین هزینه‌های آن نباشد، آن مساعدت‌ها به صورت رایگان به او ارائه خواهد شد».

برخورداری از مساعدت‌های حقوقی در حین محاکمه نیز، پیش‌بینی شده است که باید به صورت رایگان در اختیار متهم قرار داده شود که در جزء «د» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه آمده است: متهم «باید مطلع شود که اگر از مشاورت حقوقی بهره‌مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دیوان در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می‌کند، بهره‌مند شود؛ حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوط را نداشته باشد».

### نتیجه‌گیری نهایی

با توجه به مطالب این تحقیق، می‌توان گفت: گرچه حقوق دفاعی متهم، در محکمه جزایی بین‌المللی، از صراحت و وضاحت خوبی برخوردار نمی‌باشد؛ ولی با کنار هم قرار دادن مواد مختلف اساسنامه، می‌توان، تدابیری را به عنوان حقوق دفاعی متهم، در مراحل مختلف دادرسی، استخراج نمود. تدابیری که در این تحقیق به عنوان حقوق دفاعی متهم در نظر گرفته شده است یا به صورت مستقیم در زمره حقوق دفاعی متهم قرار می‌گیرند و یا اینکه رابطه مستقیم با محاکمات عادلانه دارند که از این جهت، در زمره حقوق دفاعی متهم قرار گرفته‌اند.

حق سکوت، حق داشتن وکیل، حق برخورداری از مساعدت‌های حقوقی و ... از جمله حقوق دفاعی متهم محسوب می‌گردد، حقوقی که می‌توانند نقش موثری در محاکمات عادلانه ایفا نمایند و مخصوصاً جرایم بین‌المللی که همواره در معرض قضاوت افکار عمومی در سطح جهان است و هر گونه خطایی می‌تواند پیامدهای ناگواری را برای جوامع بین‌المللی در پی داشته باشد.

### منابع

الف) منابع فارسی و ترجمه

۱- اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی

۲- آشوری، محمد (۱۳۹۲)، عدالت کیفری (۲)، چ اول، تهران: دادگستر

- ۳— شبت، ویلیام (۱۹۵۰)، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه باقر میر عباسی و حمیداله‌هویی نظری، چ اول، تهران: جنگل
- ۴— صابر، محمود (۱۳۸۸)، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، چ اول، تهران: دادگستر
- ۵— کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷)، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران و دیگران، تهران: جنگل
- ۶— گریانساک، کیتیچاریری (۱۹۵۸)، حقوق بین الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چ اول، تهران: سمت
- ۷— منصور آبادی، عباس، «سکوت متهم در دادرسی های جزایی»، مجله پژوهشی حقوق و سیاست، ش ۲۴، سال دهم، (بهار و تابستان ۱۳۸۷)
- ۸— واحدی، قدرت الله (۱۳۸۹)، حقوق بین الملل کیفری، چ اول، تهران: جنگل

### ب) منابع لاتین

- 9- Signorilly, walter (2011), criminal law procedure and evidence, united states of America: crc press
- 10- Laudan, larry (2006), turn error and criminal law, united states of America: Cambridge university press
- 11- Slapper, gary (2006), the English legal system, eighth edition, published in the us and Canada: routledge. Cavendish
- 12- simpson, J.A and E.S.C. weiner (1991),the oxford English dictionary, second edition, landen: oxford university
- 13-http:// affording justice.com.au.